

۱۳۵۱۸۵۸

به نام خدا

گوچه شهید گمنام

ندا احمدی

نشر آقای کتاب

۱۳۹۴

سرشناسه	: احمدی، ندا، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: کوچه شهید گمنام / ندا احمدی.
مشخصات نشر	: تهران: آقای کتاب، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۵۷ ص؛ ۱۴×۲۱×۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۱۶-۱۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: قطعه‌های ادبی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ک۷۶۵/ح۷۶۵ PIR۸۳۳۴
رده بندی دیویی	: ۸۶۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۴۲۵۷۲

ناشر	: آقای کتاب
عنوان	: کوچه شهید گمنام
مؤلف	: ندا احمدی
نوبت چاپ	: اول / ۱۳۹۴
طرح روی جلد	: شهرام مقصودی
تیراژ	: ۱۰۰ جلد
قیمت	: ۸ هزار تومان
شماره شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۱۶-۱۳-۷

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر یا مؤلف، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر می‌باشد.

آدرس نشر و محل توزیع: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خ وحید نظری، بن‌بست بختیاری، پلاک ۷، واحد ۱

تلفن و دورنگار: ۶۶۱۷۶۸۹۱

سایت: www.aghayeketab.com ایمیل: Info@aghayeketab.com

"این کتاب را می‌توانید به صورت آنلاین از وبسایت www.aghayeketab.com خریداری کنید"

می خوانیم

نام کوچکی که تو می خوانی ۴

دفتر اول - شطریات ۵

در آستانه ۶

رضایت ۷

شما که نمی دانید ۸

شاید فردا ۹

حسرت فراموشی ۱۰

جنون شب ۱۱

راز آوازت ۱۲

تو دلگیرانه می خندی ۱۳

من و دار و ندارم ۱۴

هذیان ۱۵

وقتی مهربانی ملال آور می شود ۱۶

واگویه ها ۱۷

دفتر دوم - داستان های کوتاه ۱۹

مثل خواب ۲۰

نرگس ۲۶

بوسه ای بر دست های ۳۰

امید آخر ۳۴

آیه های انتظار ۳۸

کوچه شهید گمنام ۴۱

زائری از قبیله دوست ۴۷

مهمان مخصوص ۵۱

آغوش عروسک ۵۵



« نام کوچکی که ... تو می خوانی... »

نمی دانم اجازه دارم «شما» را «تو» خطاب کنم یا نه؟ اما سوگند می خورم این تو را از تمام شماهای دنیا بیشتر دوست خواهم داشت و محترم تر بر زبان خواهم آورد
«اما؛»

تو خوب من، می دانی که از خواستنت سرشارم و از خواندنت شرمسار - به تونزدیکم و از تو دور، محبوب ترینم، من، همین من بهانه گیر زود رنج فراموشکار سخت دل تنگ، با تکرار نامت آنچنان سرمست می شوم که گویی دوباره به شش سالگی ام بازگشته ام، همان قدر پاک و همان اندازه بی پاک... این زمین، خانه پدری، بزرگ اما دلگیرست و مردمان هم سایه بسیار سخت گیر میدانی که خسته ام،

از آن روزهای پرغرور و آن شبهای سوت و کور خاطراتی در کوله بارم دارم که سنگینی اش شانه های مردانه را هم به درد می آورد، بیا و کوله بارم را از دوشم برگیر

که سخت نیازمند نوازشهای بی منت توام...
برای من همین که یکبار فقط یکبار مرا به نام کوچکم بخوانی کافی ست

به همان نام زیر این دفتر را امضاء می کنیم
و به همان نام باقی عمرم را
برایت بندگی خواهم کرد...